



"A Socio-Cultural Analysis of War in the Context of the Battle of Ramadan: The Reorientation of Generation Z and Generation Alpha Toward National Identity Through the Framework of Velayat-e Faqih (Guardianship of the Islamic Jurist)"

Fatemeh Shabaneh Arani

Level II Seminary Instructor .Aran va Bidgol, Isfahan, Iran

EMAIL: aShabanehf1350@gmail.com

Fatemeh AZAD

Level II Seminary Student. Aran va Bidgol, Isfahan, Iran

EMAIL: azadfathmh53@gmail.com

Abstract

The Ramadan War (the twelve-day conflict between Iran and the Zionist regime in 2025) emerged as a significant cognitive event that challenged prevailing narratives regarding the identity alienation of Iran's Generation Z and Generation Alpha. Adopting a sociological perspective and employing documentary analysis, this study examines the factors underlying these generations' renewed engagement with national identity and the discourse of resistance. The findings indicate that the war transformed abstract perceptions of external threats into a direct and tangible reality, thereby reshaping the relationship between younger generations and the political system. Within this context, the doctrine of *Velayat-e Faqih* functioned as both a unifying reference point and a framework for meaning-making, playing a pivotal role in reconstructing collective identity. Its leadership contributed to this transformation through three principal functions: providing a meaningful narrative of resistance, fostering national cohesion, and strengthening public confidence in domestic capabilities. These dynamics encouraged a strategic reassessment of Western-oriented perspectives among younger generations while reinforcing national self-confidence. Contrary to Western media portrayals of these generations as detached from national identity, the study concludes that military crises can serve as enduring catalysts for the reconstruction of national identity and the preservation of long-term civilizational continuity.

Keywords: War of Ramadan, Generation Z, Generation Alpha, *Velayat-e Faqih* (Guardianship of the Islamic Jurist), National Identity.



التحليل الاجتماعي والثقافي للحرب في سياق معركة رمضان: عودة جيلي زد وألفا إلى هويتهما الوطنية في ضوء ولاية الفقيه

فاطمة شبانة الآراني

أستاذة الحوزة العلمية (المستوى الثاني). آران وبيدگل، أصفهان، إيران

aShabanehf1350@gmail.com

فاطمة آزاد

طالبة الحوزة العلمية (المستوى الثاني). آران وبيدگل، أصفهان، إيران

azadfatmh53@gmail.com

الملخص

شكّلت حرب رمضان (الحرب التي استمرت اثني عشر يومًا بين الجمهورية الإسلامية الإيرانية والكيان الصهيوني عام ٢٠٢٥) حدثًا معرفيًا بارزًا أعاد النظر في الخطابات السائدة حول اغتراب الهوية لدى جيلي «زد» و«ألفا» في إيران. وتعتمد هذه الدراسة على مقارنة سوسيولوجية ومنهج تحليل الوثائق لاستكشاف العوامل التي أسهمت في عودة هذين الجيلين إلى الهوية الوطنية وخطاب المقاومة. وتُظهر النتائج أن حرب رمضان حوّلت التهديدات الخارجية من تصورات مجردة إلى واقع ملموس، مما أعاد تشكيل العلاقة بين الأجيال الشابة والنظام السياسي. وفي هذا السياق، اضطلعت ولاية الفقيه بوصفها مرجعية موحّدة وإطارًا مانحًا للمعنى بدور محوري في إعادة بناء الهوية الجمعية. وقد تجلّى هذا الدور من خلال ثلاثة وظائف رئيسية، هي: إضفاء المعنى على المقاومة، وتعزيز الوحدة الوطنية، وترسيخ الثقة بالقدرات الوطنية. وأسهمت هذه الديناميات في إعادة تقييم الرؤى الموجهة نحو الغرب لدى الأجيال الشابة، وفي تعزيز الثقة بالذات الوطنية. وعلى خلاف الصورة التي روّجتها وسائل الإعلام الغربية عن تجاوز هذه الأجيال لهويتها الوطنية، تخلص الدراسة إلى أن الأزمات العسكرية قد تمثل عاملًا مستدامًا لإعادة بناء الهوية الوطنية وترسيخ الإرث الحضاري للأجيال القادمة. الكلمات المفتاحية: معركة رمضان، جيل زد، جيل ألفا، ولاية الفقيه، الهوية الوطنية

تحلیل اجتماعی-فرهنگی جنگ در بستر نبرد رمضان بازگشت نسل زد و آلفا به هویت ملی در پرتو ولایت فقیه

فاطمه شبانه آرانی

استاد سطح دو، آران و بیدگل، اصفهان، ایران

aShabanehf1350@gmail.com

فاطمه آزاد

طلبه سطح دو، آران و بیدگل، اصفهان، ایران

azadfatmh53@gmail.com

چکیده

جنگ رمضان (دوازده روزه ۲۰۲۵ میان ایران و رژیم صهیونیستی) به مثابه یک «واقعه‌ی شناختی»، گفتمان‌های پیشین درباره گسست هویتی نسل‌های زد و آلفا در ایران را به چالش کشید. این پژوهش با رویکرد جامعه‌شناختی و روش تحلیل اسنادی، عوامل بازگشت این نسل‌ها به هویت ملی و گفتمان مقاومت را واکاوی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که جنگ رمضان با عینی‌سازی تهدیدات خارجی، شکاف انتزاعی میان نسل جوان و حاکمیت را به آزمونی بی‌واسطه تبدیل کرد. در این میان، ولایت فقیه به عنوان «محور همدلی» و «مرجع معنابخش»، نقشی تعیین‌کننده در بازتعریف واقعیت هویتی ایفا نمود. سه کارکرد اساسی رهبری شامل معنابخشی به مقاومت، ایجاد وحدت ملی، و اعتمادآفرینی نسبت به توانمندی‌های داخلی، موجب تجدیدنظر راهبردی نسل جوان نسبت به غرب و بازسازی اعتماد به نفس ملی شد. این تحول در حالی رخ داد که رسانه‌های غربی این نسل‌ها را «عبورکرده از هویت ملی» معرفی می‌کردند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بحران‌های نظامی می‌توانند زمینه‌ساز بازتعریف پایدار هویت ملی شده و میراثی تمدنی برای آینده به جای گذارند. واژگان کلیدی: جنگ رمضان، نسل زد، نسل آلفا، ولایت فقیه، هویت ملی، گفتمان مقاومت، جنگ.

مقدمه

جنگ‌های قرن بیست و یکم، به‌ویژه در خاورمیانه، دیگر صرفاً درگیری‌های نظامی محض نیستند؛ بلکه عرصه‌ای پیچیده برای آزمون هویت‌های اجتماعی و بازتعریف مناسبات فرهنگی جوامع درگیراند. در این میان، نبرد دوازده روزه سال ۲۰۲۵ که در تقارن با ماه مبارک رمضان ۱۴۴۷ قمری میان ایران و رژیم صهیونیستی رخ داد، فراتر از یک عملیات نظامی، به نقطه عطفی در تحولات هویتی نسل جوان ایران تبدیل شد. پیش از این جنگ، گفتمان غالب در رسانه‌های غربی، نسل‌های زد و آلفا را به عنوان نسلی «عبورکرده از هویت ملی» معرفی می‌کرد. اما وقوع جنگ رمضان، این پیش‌فرض‌ها را به چالش کشید و پدیده‌ای بی‌سابقه را رقم زد: بازگشت این نسل‌ها به هویت ملی در بستر درگیری نظامی. مسئله اصلی این پژوهش آن است که چه عوامل اجتماعی-فرهنگی و رهبری موجب شدند نسل‌های زد و آلفا در بستر جنگ رمضان، نسبت به پیش از آن دگرگون شده و به هویت ملی و ولایت فقیه گرایش پیدا کنند؟ (فتحی؛ و کریمی، ۱۴۰۲، صص ۸۷-۱۱۴)

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های متعددی در زمینه جامعه‌شناسی جوانان، هویت ملی و تأثیر جنگ بر هویت اجتماعی انجام شده است. رودریگز در سال ۲۰۲۱ به بررسی گفتمان مقاومت و نقش آن در نسل جوان پرداخت. در حوزه ایران، محمدی و همکارانش در سال ۱۴۰۰ به تأثیر تحریم‌های

اقتصادی بر هویت نسل جوان پرداختند. با این حال، هیچ پژوهش سیستماتیکی به بررسی تأثیر جنگ به مثابه یک «واقعۀ شناختی» بر بازتعریف هویت نسل زد و آلفا نپرداخته است. همچنین، نقش ولایت فقیه به عنوان محور همدلی و انسجام نسل‌ها در این بافتاری خاص کمتر مورد واکاوی قرار گرفته است. این پژوهش با تلفیق جامعه‌شناسی جنگ و روان‌شناسی هویت و تمرکز بر «ولایت فقیه» به عنوان محور همدلی، نوآورانه است.

سؤال اصلی این است که چه عوامل اجتماعی-فرهنگی موجب بازگشت نسل‌های زد و آلفا به هویت ملی و گفتمان مقاومت در بستر جنگ رمضان شد؟ و سؤالات دیگری از جمله نقش ولایت فقیه در هدایت و معنابخشی به مقاومت نسل جوان در بستر جنگ چه بود؟ چگونه جنگ رمضان به مثابه «واقعۀ شناختی» بر تغییر نگرش نسل زد و آلفا تأثیر گذاشت؟ چه عواملی موجب شد نسل جوان در بستر جنگ، هویت ملی را بازتعریف کند؟

این مقاله در پی تبیین این پارادوکس تاریخی است: چگونه نسلی که به گواه تحلیل‌های غربی و حتی برخی ارزیابی‌های داخلی، از گفتمان انقلاب فاصله گرفته بود، در حساسترین برهه‌ی تاریخ معاصر، به دفاع از کیان ملی و گفتمان مقاومت برخاست؟ فرضیه‌ای که در این مقاله دنبال می‌شود آن است که جنگ رمضان به مثابه یک «واقعۀ معرفتی» عمل کرد که شکاف انتزاعی میان نسل جوان و حاکمیت را به چالشی عینی و بی‌واسطه تبدیل نمود و در این میان، نقش ولایت فقیه به عنوان «محور همدلی» و «مرجع معنابخش»، عامل اصلی بازتعریف



واقعیت هویتی برای نسل زد و آلفا بود. (افشاریان؛ عرب چادگانی؛ و جوادی ارجمند، ۱۴۰۴، صص ۴۹-۷۲)

۱. جنگ به مثابه آزمون هویت

۱-۱. جامعه‌شناسی جنگ و بازسازی هویت

در جامعه‌شناسی معاصر، جنگ‌ها دیگر صرفاً به عنوان منازعاتی برای تغییر مرزهای جغرافیایی تحلیل نمی‌شوند. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس بریتانیایی، بر این باور است که وقایع حدی -از جمله جنگ‌ها- می‌توانند ساختارهای نهادینه‌شده‌ی جامعه را دگرگون سازند و زمینه‌ی بازتعریف هویت‌های جمعی را فراهم آورند. از این منظر، جنگ رمضان نه یک رویداد نظامی صرف، بلکه «واقعه‌ای حدی» بود که چارچوب‌های معنایی پیشین را به چالش کشید و امکان بازاندیشی در هویت ملی و دینی را برای نسل جوان فراهم ساخت. (گیدنز، ۱۳۹۲، صص ۲۷-۱۱۲)

از سوی دیگر، نظریه‌ی «همبستگی اجتماعی» امیل دورکیم نیز می‌تواند برای تبیین این تحول به کار آید. دورکیم براین باور است که در شرایط بحرانی و تهدیدات بیرونی، وجدان جمعی جامعه تقویت شده و همبستگی مکانیکی (همبستگی مبتنی بر باورها و ارزش‌های مشترک) بازتولید می‌شود. جنگ رمضان با ایجاد حس تهدید مشترک، زمینه‌ای برای بازسازی وجدان جمعی در میان نسل جوان فراهم آورد. (ذاکری، ۱۴۰۰، صص ۱۵۰-۱۷۸)

۲-۱. مفهوم «نسل» و بازتولید هویتی

کارل مانهایم، جامعه‌شناس آلمانی، در نظریه‌ی نسلی خود تأکید می‌کند که نسل‌ها صرفاً براساس فاصله‌ی سنی تعریف نمی‌شوند، بلکه «واقع‌های بنیادین» در دوره‌ی شکل‌گیری آنها (معمولاً میان ۱۷ تا ۲۵ سالگی) نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری هویت نسل ایفا می‌کنند. براین اساس، نسل زد ایران (متولدین ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۲) که پیش از جنگ رمضان در فضایی از تناقض‌های هویتی و تعارض میان ارزش‌های بومی و جهانی پرورش یافته بود، با وقوع جنگ در حساسترین مقطع سنی خود (میانگین سنی ۱۸ تا ۲۸ سال) مواجه شد و این رویداد به عنوان «واقع‌های بنیادین» شکل‌دهنده‌ی هویت نسلی آنها عمل کرد. (مانهایم، ۱۳۹۵، صص ۲۷۵-۳۱۰)

۲. نسل زد و آلفا در ایران: از پیش‌بینی‌های غربی تا واقعیت میدانی

۲-۱. ویژگی‌های نسل زد و آلفا در ایران

نسل زد ایران، نخستین نسلی است که با اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های فراملی به بلوغ رسیده است. مؤسسه‌ی هاروارد کندی در تحلیلی از اعتراضات اخیر ایران، این نسل را «نسلی حقیقتاً جهانی شده» توصیف کرده که «با اینترنت و رسانه‌های اجتماعی از بدو تولد آشنا بوده و به موسیقی پاپ غربی مانند تیلور سوئیفت و کی-پاپ گوش می‌دهد». این ویژگی‌ها سبب شده بود که تحلیلگران غربی و حتی برخی ناظران داخلی، این نسل را «عبورکرده از



هویت‌های سنتی» و «همسوبا ارزش‌های لیبرال-غربی» تلقی کنند. نسل آلفا (متولدین پس از ۲۰۱۲) نیز که در دوران اوج سلطه‌ی رسانه‌های دیجیتال متولد شده است، در زمان جنگ رمضان در آستانه‌ی نوجوانی قرار داشت و به‌طور غیرمستقیم تحت تأثیر تحولات هویتی این دوره قرار گرفت. (هادی کرکوندی؛ حسینی؛ رضایی؛ و موسوی فر، ۱۴۰۳، صص ۹۷-۱۳۲).

۲-۲. محاسبات دشمن: رویای نسل ضد و آلفا

تحلیل‌های رسانه‌ای غربی در آستانه‌ی جنگ رمضان، با استناد به اعتراضات سال‌های اخیر و شعارهایی مانند «نه غزه، نه لبنان، جان من برای ایران»، بر این باور بودند که نسل جوان ایران از گفتمان مقاومت فاصله گرفته و اولویت‌های خود را به مسائل معیشتی و فردی محدود کرده است. گزارش‌های خبری از جمله گزارش رویترز، نقل‌قول‌هایی از جوانان ایرانی منتشر می‌کردند که می‌گفتند: «من فقط می‌خواهم زندگی آرام و عادی داشته باشم... [حاکمان] بر برنامه‌ی هسته‌ای، حمایت از گروه‌های مسلح در منطقه و حفظ خصومت با آمریکا اصرار دارند». (فتحی؛ و کریمی، ۱۴۰۲، صص ۸۷-۱۱۴)

مجله‌ی «آل مجتمع» در تحلیلی از اعتراضات، این پرسش را مطرح کرده بود که آیا این ناآرامی‌ها «خشم بومی» است یا «فیلمنامه‌ی خارجی». پاسخ این نشریه به این پرسش که «شما برای دانستن خالی بودن سفره و زندانی بودن دوستانان به کتابچه‌ی سیا نیاز ندارید»، نشان می‌داد که بخش مهمی از خشم نسل جوان

ریشه در واقعیت‌های ملموس اقتصادی و اجتماعی دارد. با این حال، همین تحلیل‌ها نیز اذعان داشتند که «نمی‌توان اعتراضات را صرفاً در چارچوب مداخله‌ی خارجی تحلیل کرد».

۲-۳. شکست محاسبات: بازگشت به میدان

با آغاز جنگ رمضان، تصویری متفاوت از نسل جوان ایران به نمایش درآمد. برخلاف پیش‌بینی‌هایی که از «گسست نسلی» و «انزوای اجتماعی» سخن می‌گفتند، شور و شعور ملی در میان نسل زد و آلفا چنان بود که حتی رسانه‌های غربی نیز ناگزیر به بازتاب آن شدند. مقاله‌ی فارین پالیسی که در این مقاله به آن استناد شده است، با اذعان به این تغییر نگرش، مهم‌ترین دستاورد جنگ رمضان را «تغییر دیدگاه جوانانی» می‌داند که پیشتر از گفتمان انقلاب فاصله گرفته بودند، اما اکنون «نسبت به غرب تجدیدنظر کرده، به گفتمان مقاومت نظام ایمان آورده‌اند».

۳. نقش ولایت فقیه: محور همدلی و مرجعیت معنابخش

۳-۱. ولایت فقیه در نظریه‌ی اجتماعی انقلاب اسلامی

در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، ولایت فقیه نه صرفاً یک نظریه‌ی حکومتی، بلکه چارچوبی برای ایجاد «همدلی اجتماعی» و «انسجام هویتی» در شرایط بحرانی است. امام خمینی (ره) و پس از ایشان، مقام معظم رهبری، همواره بر این نکته تأکید داشته‌اند که کارآمدی نظام اسلامی در گرو پیوند عاطفی و معنایی میان

مردم و رهبری است. در نظریه‌ی اجتماعی انقلاب اسلامی، ولایت فقیه به مثابه «قطب هماهنگ کننده» نیروهای پراکنده‌ی اجتماعی عمل می‌کند و در شرایط بحران، این نقش پررنگ‌تر می‌شود. (دیدار رهبر شهید با مسئولان و کارگزاران نظام، ۲۱/۱۲/۱۳۹۰)

۲-۳. کارکردهای ولایت فقیه در جنگ رمضان

در جنگ رمضان، ولایت فقیه سه کارکرد اساسی ایفا کرد که در بازگشت نسل جوان به میدان نقشی تعیین‌کننده داشت:

نخست: معنابخشی به مقاومت؛ در شرایطی که رسانه‌های غربی تلاش می‌کردند جنگ را به مثابه «ماجرای جویی‌ای بی حاصل» یا «تهدیدی برای معیشت مردم» بازنمایی کنند، رهبری با تأکید بردفاع از کیان ملی و عزت ایران، معنایی فرامادی به مقاومت بخشید. بیانات رهبری در این دوره، با زبانی صریح و در عین حال امیدبخش، زمینه‌ی شکل‌گیری «اراده‌ی جمعی» را در میان نسل جوان فراهم ساخت.

دوم: ایجاد وحدت و همدلی؛ در آستانه‌ی جنگ، شکاف‌های سیاسی و اجتماعی موجود می‌توانست به تضعیف روحیه‌ی ملی بینجامد. اما رهبری با تأکید بر «همدلی حول محور ولایت» و پرهیز از دوقطبی‌سازی، فضایی ایجاد کرد که در آن جناح‌های مختلف سیاسی و اقشار گوناگون اجتماعی، از جمله نسل جوان، بتوانند حول یک هدف مشترک - دفاع از میهن - متحد شوند. این

همدلی، چنانکه در منابع غربی نیز بازتاب یافت، «نه در پس هیاهوی سیاسی و نه در بستر برنامه کلان بدست آمد بلکه در سایه همدلی حول محور ولایت فقه بوجود آمد».

سوم: اعتمادآفرینی و توانمندسازی؛ یکی از مهم‌ترین کارکردهای رهبری در جنگ رمضان، اعتماد به توانمندی‌های داخلی و جوانان بود. تأکید بر «ما می‌توانیم» و واگذاری مسئولیت‌های کلیدی به نیروهای جوان، نقش مهمی در تغییر نگرش نسل زد نسبت به کارآمدی نظام ایفا کرد. جوانی که پیش از جنگ شعارهایی علیه هزینه‌های منطقه‌ای سرمی‌داد، اکنون با مشاهده توانمندی‌های داخلی و نقش خود در شکست دادن دشمن، به این باور رسید که «باید برنامه موشکی، نیروهای منطقه‌ای و گفتمان مقاومت را قوی‌تر کرد تا ایران مستقل و مقتدر باقی بماند.» (فتحی؛ و کریمی، ۱۴۰۲، صص ۸۷-۱۱۴)

۳-۳. بازتاب نقش ولایت فقیه در منابع غربی

نکته‌ی حائز اهمیت آن است که نقش ولایت فقیه در ایجاد همدلی و بازگشت نسل جوان به میدان، حتی از چشم تحلیلگران غربی نیز پنهان نماند. نشریه‌ی فارین پالیسی با اشاره به تغییر نگاه نسل جوان به گفتمان مقاومت، این تحول را در چارچوب «میراث بزرگ برای آینده ایران» تحلیل می‌کند که اگر تداوم یابد، «سیاست داخلی و منطقه‌ای ایران را برای چند دهه‌ی آینده شکل خواهد داد». مؤسسه‌ی مطالعات خاورمیانه در واشنگتن نیز با اشاره به انعطاف‌پذیری





رهبری ایران در مدیریت بحران، اذعان کرده است که نظام جمهوری اسلامی با وجود فشارهای خارجی، همچنان از ظرفیت‌های قابل توجهی برای بقا و بازتولید مشروعیت برخوردار است.

۴. بازگشت به هویت: تبیین علل تحول نسل جوان

۱-۴. از انتزاع تا عینیت: جنگ به مثابه آزمون واقعیت

یکی از مهم‌ترین عواملی که در بازگشت نسل جوان به هویت ملی نقش داشت، «عینی شدن تهدید» در جریان جنگ رمضان بود. پیش از جنگ، گفتمان مقاومت و تهدیدات خارجی برای بسیاری از جوانان به مثابه مفاهیمی انتزاعی و فاقد ارتباط با زندگی روزمره تلقی می‌شد. شعار «نه غزه، نه لبنان، جان من برای ایران» که در اعتراضات پیش از جنگ شنیده می‌شد، دقیقاً بیانگر همین فاصله‌ی ادراکی میان اولویت‌های حاکمیت و دغدغه‌های نسل جوان بود. اما با آغاز جنگ و تبدیل تهدیدات به واقعیتی ملموس که امنیت ملی، تمامیت ارضی و حتی زندگی روزمره‌ی مردم را نشانه رفته بود- این شکاف انتزاعی به چالشی عینی تبدیل شد. در چنین شرایطی، گفتمان مقاومت که پیشتر امری «دور از زندگی» تلقی می‌شد، به «تنها راه ممکن برای حفظ آنچه باقی مانده بود» بدل گشت. این همان نقطه‌ی عطفی است که در جامعه‌شناسی جنگ از آن به «آزمون واقعیت» یاد می‌شود.

۲-۴. نقش رسانه‌های غربی در بازتولید هویت: تجدیدنظر نسل جوان

یکی دیگر از عوامل مهم در تغییر نگرش نسل زد و آلفا، «تجدیدنظر نسبت به غرب» بود. نسلی که در عصر سلطه‌ی رسانه‌های غربی به بلوغ رسیده بود و ارزش‌های لیبرال را آرمانی دست‌نیافتنی می‌پنداشت، با مشاهده‌ی رویکرد واقعی قدرت‌های غربی در جنگ رمضان -از حمایت همه‌جانبه از تجاوز خارجی تا تحریم‌های فلج‌کننده‌ی اقتصادی- به این درک رسید که غرب نه تنها حامی آزادی و رفاه ایرانیان نیست، بلکه حاضراست برای حفظ منافع خود، تمامیت ارضی و امنیت ملی ایران را به مخاطره اندازد.

این تجدیدنظر، چنانکه در تحلیل فارین پالیسی نیز منعکس شده، چنان عمیق بود که حتی جوانانی که پیشتر از ایدئولوژی جمهوری اسلامی فاصله گرفته بودند، «به گفتمان مقاومت نظام ایمان آوردند» و بر «تقویت برنامه موشکی، نیروهای منطقه‌ای و گفتمان مقاومت» تأکید کردند.

۳-۴. همدلی ملی و شکست روایت‌های قومیتی و سیاسی

جنگ رمضان همچنین نشان داد که تهدیدات خارجی می‌توانند شکاف‌های قومیتی و سیاسی را موقتاً به حاشیه برانند و همبستگی ملی را بازتولید کنند. برخلاف تحلیل‌هایی که از «فروپاشی جامعه‌ی ایرانی» و «تسریع‌کنندگی نسل جوان در این فروپاشی» سخن می‌گفتند، آنچه در میدان رخ داد، انسجامی بی‌سابقه بود که نه تنها اقشار مختلف اجتماعی، بلکه گروه‌هایی را که پیشتر به

عنوان «معترض» یا «مخالف» شناخته می‌شدند، در یک صف متحد ساخت.

۴-۴. نقش ولایت فقیه در بازتعریف واقعیت هویتی

با این حال، آنچه این انسجام را از یک «همبستگی مقطعی» به یک «بازتعریف هویتی پایدار» تبدیل کرد، نقش ولایت فقیه به عنوان مرجعیت معنابخش بود. رهبری با تأکید بر مفاهیمی چون «عزت ملی»، «استقلال» و «مقاومت»، چارچوبی معنایی ارائه داد که در آن، دفاع از میهن با آرمان‌های انقلاب اسلامی پیوند می‌خورد. این پیوند، به نسل جوان امکان داد تا حضور خود در میدان رانه صرفاً یک واکنش آنی و احساسی، بلکه بخشی از یک «هویت پایدار» و «مأموریت تاریخی» درک کند.

۵. میراث جنگ و چشم‌انداز آینده: از حفظ دستاورد تا افق تمدنی

۵-۱. میراث جنگ برای نسل جوان

نشریه‌ی فارین پالیسی، مهم‌ترین دستاورد جنگ رمضان را «تغییر دیدگاه جوانان» توصیف کرده و آن را «میراثی بزرگ برای آینده ایران» می‌داند. این میراث، افزون بر تغییر نگرش نسبت به غرب و گفتمان مقاومت، شامل سه مؤلفه‌ی اساسی است:

نخست: بازسازی اعتماد به نفس ملی. نسل جوان ایران در این جنگ، توانمندی‌های داخلی را به‌طور عینی مشاهده کرد و به این باور رسید که می‌تواند بدون اتکا به قدرت‌های خارجی، از کیان خود دفاع کند.



دوم: بازتعریف هویت نسلی. جنگ رمضان به مثابه «واقعۀ بنیادین» برای نسل زد و آلفا عمل کرد و هویت نسلی آنها را در پیوند با مفاهیمی چون «مقاومت»، «ایستادگی» و «عزت ملی» بازتعریف نمود.

سوم: تداوم گفتمان مقاومت. مهم‌ترین میراث جنگ برای آینده، تداوم گفتمان مقاومت در میان نسلی است که قرار بود این گفتمان را از صحنه‌ی اجتماعی ایران حذف کند. فارین پالیسی با اشاره به این نکته هشدار می‌دهد که اگر این تغییر ادامه یابد، «سیاست داخلی و منطقه‌ای ایران را برای چند دهه‌ی آینده شکل خواهد داد».

۲-۵. ضرورت پاسداشت سرمایه‌ی اجتماعی

با توجه به اهمیت این دستاورد تاریخی، پاسداشت آن به یک وظیفه‌ی ملی و فراجنبه‌ای تبدیل می‌شود. تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که دستاوردهای هویتی در صورتی پایدار می‌مانند که به‌طور مستمر بازتولید شوند. در این مسیر، نقش نهادهای فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای در تثبیت این تحول هویتی و جلوگیری از بازگشت به وضعیت پیشین، نقشی حیاتی است. (محسنیان‌راد، ۱۳۹۹، صص ۴۵-۷۸)

۳-۵. افق تمدنی: از میراث جنگ تا تمدن‌سازی

اما فراتر از حفظ دستاورد، آنچه امروز پیش روی ایران قرار دارد، بهره‌گیری از این «بستر آماده و پُر ظرفیت» برای حرکت در مسیر «نگاه تمدنی» و زمینه‌سازی



برای تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی است. نسل جوانی که در بوته‌ی جنگ، هویت ملی و دینی خود را بازتعریف کرده است، می‌تواند محور تحولات آینده و پیشران تمدن‌سازی نوین اسلامی باشد.

این نگاه تمدنی، که در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب نیز به صراحت بر آن تأکید شده است، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری بر روی ظرفیت‌های عظیم نسل جوان در عرصه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی است. جنگ رمضان نشان داد که این نسل، هم توانایی درک مسائل کلان تمدنی را دارد و هم اراده‌ی لازم برای ایستادگی در برابر دشمنان را. (فتحی؛ و کریمی، ۱۴۰۲، صص ۸۷-۱۱۴)

نتیجه‌گیری

جنگ رمضان به مثابه واقعه‌ی شناختی، گسست بین پیش‌فرض‌های رسانه‌ای غربی و واقعیت میدانی را رقم زد. ولایت فقیه محور اصلی انسجام هویتی و هدایت نسل جوان در بستر مقاومت بود. مشارکت میدانی نسل زد و آلفا در عرصه‌های مختلف، غرور و هویت‌یابی جمعی را تقویت کرد. هویت ملی در شرایط بحران، با بازتعریف بنیادین، قوی‌تر و پایدارتر می‌شود. نظریه «هویت‌یابی بحران‌زا در بستر مقاومت» الگویی جدید برای درک پدیده هویت‌یابی در شرایط جنگ ارائه می‌دهد. بازتعریف هویت ملی از طریق مشارکت فعال نسل جوان، میراث هویتی جدیدی برای آینده ایران ایجاد کرد.



منابع و ماخذ

۱. گیدنز، آنتونی، (۱۳۹۲)، پیامدهای مدرنیت، (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران: نشر مرکز.
۲. مانهایم، کارل، (۱۳۹۵)، مسئله نسل‌ها، در بررسی‌هایی در جامعه‌شناسی فرهنگ (ترجمه فریبرز مجیدی). تهران: نشر نی.
۳. ذاکری، آرمان، (۱۴۰۰)، همبستگی اجتماعی و دشمنان آن: جامعه‌شناسی دورکیمی در جهان معاصر، تهران: نشر آگه.
۴. افشاریان، رحیم؛ عرب چادگانی، رضا؛ و جوادی ارجمند، مرضیه. (۱۴۰۴). تحلیل گذار جمعیتی ایران به منظور کاربست آن در سیاست‌های جوانی جمعیت و ارتقای قدرت نظامی با الگوگیری از تجربه دفاع مقدس. پژوهش‌های راهبردی ارتش، ۱۱(۱).
۵. فتحی، سروش؛ و کریمی، زهرا، (۱۴۰۲)، بازنمایی هویت نسلی در میان نسل زد ایران: مطالعه موردی کاربران اینستاگرام، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۹ (۷۲).
۶. هادی کرکوندی، مسعود؛ حسینی، سید هسام؛ رضایی، حسین؛ و موسوی فر، سید تقی، (۱۴۰۳)، واکاوی علل چالش‌های هویتیابی نوجوانان در دو فضای واقعی و مجازی، پژوهشنامه فرهنگی و اجتماعی کودک و نوجوان، ۲(۱).
۷. محسنیان‌راد، مهدی، (۱۳۹۹)، نقش رسانه‌های جمعی در بازتولید هویت ملی: مطالعه موردی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه فرهنگی و اجتماعی، سال ۱۲، (۴).
۸. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۰). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. بازیابی شده از

چکیده تحلیلی

جنگ‌های معاصر در قرن بیست و یکم، فراتر از ابعاد صرفاً نظامی و راهبردی، به عرصه‌ای پیچیده برای آزمون هویت‌های اجتماعی و بازتعریف مناسبات فرهنگی جوامع درگیر تبدیل شده‌اند. در این میان، نبرد دوازده روزه سال ۲۰۲۵ که مقارن با ماه مبارک رمضان ۱۴۴۷ قمری بود، میان ایران و رژیم صهیونیستی، نه تنها یک رویداد نظامی، بلکه نقطه عطفی بنیادین در تحولات هویتی نسل جوان ایران به شمار می‌آید. پیش از این جنگ، تحلیل‌های گسترده‌ای در رسانه‌های غربی و گاهی در محافل داخلی، نسل‌های زد (متولدین ۱۹۹۵-۲۰۱۰) و آلفا (متولدین ۲۰۱۰ به بعد) را به عنوان نسلی «عبورکرده از هویت ملی» و «همسوبا فروپاشی ارزش‌های سنتی» معرفی می‌کردند. اما جنگ رمضان، این پیش‌فرض‌ها را به چالش کشید و الگوهایی تازه در تعامل میان نسل جوان، ولایت فقیه و هویت ملی شکل داد. این پژوهش به واکاوی این پرسش بنیادین می‌پردازد که چگونه و چرا در بستر این جنگ، گرایش به هویت ملی و گفتمان مقاومت میان جوانان ایران افزایش یافت.

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و تبیین عوامل کلیدی سبب‌ساز بازگشت نسل‌های زد و آلفا به هویت ملی و گفتمان مقاومت در بستر جنگ رمضان است. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که چه مولفه‌های اجتماعی-فرهنگی و رهبری، سبب تغییر نگرش این نسل‌ها نسبت به هویت ملی شد و چه نقشی ولایت فقیه در هدایت و معنابخشی به این حرکت



ایفا کرد. هدف فرعی پژوهش، واکاوی تأثیرات این تحول بر آینده هویت جمعی ایران و تبیین جایگاه رهبری به عنوان محور همدلی و وحدت نسل هاست.

این پژوهش با رویکردی جامعه‌شناختی و با استفاده از روش کیفی تحلیل اسنادی انجام شده است. روش تحلیل اسنادی به پژوهشگرا اجازه داد تا عمق تغییرات نگرشی نسل جوان را در کنار عوامل بیرونی و درونی بررسی کند. همچنین از روش تحلیل محتوای کیفی برای استخراج مضامین اصلی و الگوهای رفتاری استفاده شد. اعتبار پژوهش با مقایسه منابع مختلف و سه‌سویی کردن داده‌ها تضمین گردید.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جنگ رمضان به مثابه یک «واقعۀ شناختی» عمل کرد که شکاف میان نسل جوان و حاکمیت را به شکلی بی‌واسطه به چالش کشید. این واقعه موجب شد نسل زد و آلفا از زاویه‌ای کاملاً جدید به موضوع هویت ملی نگاه کنند. عوامل کلیدی شناسایی شده عبارتند از: اولاً، نقش محوری ولایت فقیه در هدایت و معنابخشی به مقاومت، عامل اصلی بازتعریف واقعیت هویتی برای این نسل بود. بیانیه‌های رهبر معظم انقلاب که با زبانی جوانانه و صمیمی بیان می‌شد، موجب ایجاد پیوند عاطفی و معنوی عمیق‌تری شد. ثانیاً، رسانه‌های داخلی و شبکه‌های اجتماعی، توانستند روایت جنگ را از منظر جوانان بازنمایی کنند که این امر موجب مشارکت فعالانه نسل جوان در فرآیند جنگ شد. ثالثاً، حضور میدانی نسل جوان در عرصه‌های مختلف مقاومت (فرهنگی، تبلیغی، فنی) موجب غرور و هویت‌یابی جمعی

شد.

در حالی که رسانه‌های غربی نسل زد و آلفای ایران را «عبورکرده از هویت ملی» معرفی می‌کردند، حضور میدانی و تغییرنگرش این نسل در جریان جنگ، شکستی راهبردی برای محاسبات دشمن رقم زد. این تحول نه تنها مرزهای هویتی جدیدی ترسیم کرد، بلکه میراث هویتی جدیدی برای آینده ایران ایجاد نمود.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که جنگ رمضان فرصتی بی‌سابقه برای بازتعریف هویت ملی در ایران فراهم آورد. ولایت فقیه به عنوان «محور همدلی» و عامل انسجام نسل‌ها عمل کرد و موجب شکل‌گیری میراث هویتی جدیدی گردید. این یافته‌ها حاکی از آن است که در شرایط بحران، هویت ملی نه از میان می‌رود، بلکه با بازتعریفی بنیادین، قوی‌تر و پایدارتر می‌شود. واژگان کلیدی: جنگ رمضان، نسل زد، نسل آلفا، ولایت فقیه، هویت ملی، گفتمان مقاومت، جامعه‌شناسی جنگ.

